

## از نویسنده‌ی بیش‌ترین تقریظ‌ها:

### اسناد مهم انسان‌شناختی

دکتر فرشته نواده

در مجله‌ی سربلاران ویژه‌نامه‌ی همایش امین: بزرگداشت اندیشه‌های سترگ نوشته شده بود که یکی از ترین‌های استاد پروفیسور امین تعداد مقدمه‌ها و تقریظ‌های ایشان بر کتاب‌های دیگران است. من چند عدد از کتاب‌هایی که در سال ۱۳۸۸ با مقدمه‌ی ایشان چاپ شده است، تهیه کرده و خوانده‌ام. اکثراً این کتاب‌ها دفاتر شعر شاعران معاصر است مانند فریاد اثر علیرضا تبریزی، نقش نفیس اثر جلال مهدیانی، یک قطره باران اثر محمود خاتمی، سیلاب اثر بتول مومن، ایستاده در باران اثر عبدالرضا جلیلیان، تولد ایمان اثر رضا مرادی و چندین کتاب دیگر.

اما یادداشت مختصر و مفید زیر را با عنوان «اسناد مهم انسان‌شناختی» به عنوان تقریظ بر کتاب **کوچه‌ی بی‌عبور دلتنگی** = یادنامه‌ی هنری علی‌اکبر کهریابی (عکاس ویژه‌ی هنرمندان) (چاپ انتشارات مهراردوان ۱۳۸۸) نوشته‌اند:

«کتاب حاضر که یادنامه‌ی سال‌های زندگی پر بار و هنرمندانه‌ی دوست ارجمند آقای علی‌اکبر کهریابی است، مُشکی است که خود می‌بوید و محتاج تعریف و توصیف هیچ عطاری نیست.

همه می‌دانیم که عکس یکی از اسناد مهم انسان‌شناختی و وسیله‌ی بسیار خوبی برای ضبط و ثبت تاریخ است. من مقاله‌ی مفصل با عنوان «تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار به روایت مجموعه‌ی عکس امین‌الشریعه» در فصلنامه‌ی **مهرگان اسفراین** نوشته‌ام و این می‌حث را به تفصیل در آن مقاله معروض داشته‌ام و در این جا تکرار نمی‌کنم. آن‌چه در این تقریظ کوتاه باید عرض کنم ارزش معنوی و فرهنگی خاطرات همه‌ی ایرانیان از گذشته‌ی دور و نزدیک است. چرا که هر ملتی مالک فرهنگ تاریخ و هویت خود است و این هویت را باید با اسناد و عکس‌ها و روایت‌های کتبی و شفاهی (بوژه در این دوره که امکانات صوتی و تصویری به طور فزاینده‌ی پیشرفت کرده و می‌کند)، به ثبت و ضبط برساند.

خاطرات، عکس‌ها، شعرها، لطیفه‌ها و یادبودهای هنرمند ارجمند جناب آقای کهریابی در راستای ثبت تاریخ فرهنگی و هنری روزگار ما می‌تواند محل استفاده‌ی آیندگان قرار گیرد و از این جهت چاپ این اثر را این بنده هم به نوبت ناقابل خویش، به وی و همه‌ی علاقمندان تبریک و تهنیت می‌گویم.»

در روند حماسه، تنها به عنوان یک جنگجو شاهدیم و نقش دیگری در حماسه ندارد. گاه، شاعر فقط با آوردن نام یک پهلوان، در یک یا دو بیت اکتفا کرده است. به عنوان نمونه در مورد نیاکان گرشاسب از جمله شَم، طورگ، شیدسپ و تور، نگاهی بسیار گذرا داشته و در مورد شَم، به ذکر دو بیت بسنده نموده است. لذا نمی‌توان آن‌ها را به عنوان تیپ منحصر به فرد و بی‌بدیل شناخت. اندک زمانی در صحنه‌ی داستان خود را نشان می‌دهند و سپس در غبار گمنامی فرو می‌روند و تا پایان داستان از آن‌ها نام برده نمی‌شود به همین خاطر تحلیل جنبه‌های مثبت و منفی اخلاقی آنها امکان‌پذیر نیست.

### نتیجه‌گیری

منش‌های عالی اخلاقی قهرمانان ایرانی شاهنامه، هم چون دادگری، ترحم براسیران دشمن، مهربانی و دیگر صفات اخلاقی، از قهرمانان گرشاسب‌نامه بیش‌تر است و وسعت نگاه فردوسی به قهرمانان ایرانی و عشق و علاقه‌ی خواننده به قهرمانان ایرانی، به مراتب، بیش از گرشاسب‌نامه است. به نوعی که خواننده با دیدن صفات اخلاقی قهرمانان، به ایرانی بودن خود می‌بالد. درحالی که قهرمانان گرشاسب‌نامه چنین ویژگی‌ها را ندارند. ■

### منابع

- ۱- آموزگار، ژاله، **تاریخ اساطیری ایران**، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت ۱۳۷۶،
- ۲- اسدی طوسی، ابونصر علی بن احمد، **گرشاسب‌نامه**، تصحیح حبیب یغمایی، چاپ اول، تهران، انتشارات ذبیح‌الله، ۱۳۸۶
- ۳- اکبری مفاخر، صفدر (آرش)، **روان گرشاسب**، نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی کرمان، شماره ۲۰، پیاپی ۱۷، ۱۳۸۵،
- ۴- بهار، مهرداد، **از اسطوره تا تاریخ**، چاپ پنجم، تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۶
- ۵- بی‌نام، **تاریخ سیستان**، تصحیح ملک‌الشعرا بهار، چاپ دوم، تهران، انتشارات پدیده خاور، ۱۳۶۶
- ۶- دوستخواه، جلیل، **گزارش و پژوهش اوستا**، ج ۲، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۸۶
- ۷- شفیع کدکنی، محمدرضا، **صورخیال در خیال در شعر فارسی**، چاپ نهم، تهران، انتشارات آگه، ۱۳۸۳
- ۸- صفا، ذبیح‌الله، **تاریخ ادبیات در ایران**، ج ۱، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۸۵
- ۹- فردوسی، ابوالقاسم، **شاهنامه**، تصحیح سعید حمیدیان، چاپ چهارم، تهران، نشر قطره، ۱۳۷۶
- ۱۰- کریستنسن، آرتور، **کارنامه‌ی شاهان در روایات باستان**، مترجم باقر میرخانی و بهمن سرکاراتی، انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۵۰